



صدای گوهر ایران

صفحه ۸



«وطن امروز» گزارش می‌دهد
همه آنچه باید درباره پرونده شکایت پرسپولیس
و بیرانوند بدانید

چاقو علیه دسته

صفحه ۶



«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ ریشه ناترازی برق در کشور به ضعف ساخت نیروگاه در دهه ۹۰ بازمی‌گردد

مقصر خاموشی کیست؟

ناترازی برق از سال ۹۳ شروع شد؛ دولت وقت از بخش خصوصی برای ساخت نیروگاه حمایت نکرد

صفحه ۲

از نشست همبستگی گروه‌های فلسطینی در چین تا نمایش شرم آور قصاب صهیونیست در کنگره آمریکا

جهان ۲ تصویر متفاوت از قدرت‌های شرق و غرب را به نظاره نشسته است

چاره‌سازی یا بی‌چاره‌سازی؟



گتی‌ایمجز

یادداشت روز

نفرت از صهیونیست‌ها حتی در غرب

[شهاب خادم]

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای نخستین بار پس از جنگ غزه به ایالات متحده سفر کرد تا با رهبران این کشور که مهم‌ترین متحد این رژیم در جنگ غزه محسوب می‌شود، دیدار و رایزنی و در کنگره آمریکا سخنرانی کند؛ سفری که از همان ابتدا مشخص بود سر و صدای زیادی علیه جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به پا خواهد کرد و فشار محافل بین‌المللی را علیه کاخ سفید افزایش خواهد داد.

با این حال حضور بنیامین نتانیاهو در آمریکا بیش از آنچه تصور می‌شد رسوایی به بار آورد. نتانیاهو قصد داشت در این سفر ضمن جلب حمایت‌های دوباره دولت کنونی و آینده آمریکا از دولت خود، مواضع خود در جنگ با فلسطینی‌ها را از طریق سخنرانی در کنگره آمریکا - که همواره توجیحات زیادی را جلب می‌کند - به گوش آمریکایی‌ها برساند و بتواند با مظلوم‌نمایی جنایات خود در غزه را توجیه کند اما چیزی که رخ داد یک رسوایی تمام‌عیار برای نتانیاهو و همچنین برای رژیم صهیونیستی و آمریکا بود.

۱- سفر نتانیاهو به واشنگتن بیش از هر چیز تاییدکننده نفرت از صهیونیست‌ها در میان افکار عمومی جهان است، حتی در ایالات متحده که نزدیک‌ترین دوست رژیم صهیونیستی است. از زمان ورود نتانیاهو به خاک آمریکا سرویس‌های امنیتی و پلیسی آمریکا خواب و خوراک نداشتند و مجبور بودند برای تأمین امنیت هیئت صهیونیست در آمریکا در نقاط مختلف در حالت آماده‌باش باشند. در زمان سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا در روز چهارشنبه، پلیس این کشور برای جلوگیری از حضور معترضان آمریکایی ضد صهیونیست خیابان‌های مرکز واشنگتن را مسدود و اطراف ساختمان کنگره آمریکا را محصور کرد.

طبق گزارش رسانه‌های آمریکایی، پلیس واشنگتن برای جبران کمبود نیرو مجبور شد از نیویورک نیروی کمکی به واشنگتن بیاورد! در طول تاریخ همواره اینگونه بوده است؛ زمانی که جنایتکاران جنگی بخواهند در جایی سخنرانی کنند یا حتی در دادگاهی حاضر شوند کشور میزبان مجبور است نیروهای خود را برای محافظت از جان بی‌ارزش سوژه مورد نظر بسیج کند.

۲- پایتخت بزرگ‌ترین متحد اسرائیل برای نتانیاهو نامن شده. این تیتر یکی از رسانه‌های آمریکایی در روز سه‌شنبه درباره سخنرانی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کنگره آمریکا است. ده‌ها هزار شهروند آمریکایی - که بسیاری از آنها یهودی بودند - به رغم تدابیر شدید امنیتی خود را به خیابان‌های اطراف کنگره رسانده بودند تا جنایات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان در غزه را محکوم کنند و خواستار پایان کمک‌های تسلیحاتی واشنگتن به تل‌آویو شوند. معترضان حتی در مقابل هتل محل اقامت کاروان صهیونیست نیز تجمع اعتراضی برپا کرده و پرچم آمریکا را در مقابل ساختمان کنگره آمریکا که نمادی از حاکمیت این کشور است آتش زدند.

آمریکایی‌های حامی فلسطین که وعده «روز خشم» را داده بودند، به وعده خود عمل کردند و با راهپیمایی در خیابان‌های واشنگتن، خواستار پایان کمک کشورشان به اسرائیل و «فلسطین آزاد» شدند؛ تظاهراتی که رسوایی دیگری برای نتانیاهو به بار آورد و نشان داد شهروندان آمریکایی و حتی یهودیان نیز در کنار سایر مردم جهان در صف اول اعتراض به جنگ غزه هستند.

۳- سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا نیز یک شکست بزرگ دیگر در سفر او به آمریکا بود. فارغ از دروغ‌هایی که نتانیاهو در سخنرانی خود گفت و خشم کاربران شبکه‌های اجتماعی را برانگیخت، عدم اشاره او به شهاده ۴۰ هزار فلسطینی و سانسور جنایات این رژیم در جنگ غزه و تشویق مکرر وی از سوی نمایندگان و سناتورهای آمریکایی، این سخنرانی را به یک شوی تلویزیونی ساختگی و آن را به یک سخنرانی بی‌اثر تبدیل کرد.

تشویق‌های نمایشی حضار در واکنش به سخنرانی نتانیاهو به قدری اغراق‌آمیز و تکراری شد (۸۰ بار) که کاربران شبکه‌های اجتماعی آن را به سخره گرفتند و یک تصویر شرم‌آور برای آمریکا خواندند. کاربری نوشته «نتانیاهو ۸۰ بار از سوی نمایندگان آمریکایی مورد تشویق قرار گرفت. برای چه؟ برای جنایات علیه بشریت!» شرم بر شما. ۴- امتناع شمار زیادی از قانونگذاران و سناتورهای آمریکا از حضور در کنگره این کشور در زمان سخنرانی نتانیاهو نیز بازتاب زیادی در رسانه‌های جهان داشت.

پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد بیش از یک‌هفتم از نمایندگان و سناتور آمریکایی سخنرانی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را بایکوت کردند که در تاریخ بی‌سابقه و نشان‌دهنده میزان نفرت از او در آمریکا است.

ادامه در صفحه ۶

نخست‌وزیر صهیونیست‌ها به پایان رسیده است. دعوت از شکست‌خورده‌ای همچون نتانیاهو، جز اثبات این گزاره ندارد که سیاست خارجی آمریکا هنوز در چنبره تل‌آویو گرفتار است. ابرقدرتی که دیپلماسی‌اش کاملا وابسته و تحت تأثیر یک دولت دیگر قرار داشته باشد دیگر ابرقدرت نخواهد بود و نقش خود را واگذار کرده. ایالات متحده در برخورد با رژیم صهیونیستی با عنصر «جبار» روبه‌رو بوده است تا جایی که واشنگتن خود را به یقین از دست رفتن تمام اعتبار هنجاری و قدرت اخلاقی‌اش در دوران پسا جنگ سرد و بی‌اعتباری خود در شورای امنیت سازمان ملل، در کنار نسل‌کشی اسرائیل در غزه سهیم و در سطح بی‌سابقه‌ای در جهان منزوی کرد. همان‌طور که نظرسنجی‌های عمومی مثل موسسه سیاست‌خوار نزدیک واشنگتن نشان داد، محبوبیت ایالات متحده بسندت در خاورمیانه و در اروپا اندکی کاهش یافته است، در حالی که حمایت از چین، روسیه و ایران افزایش یافته است. باتلاق روابط واشنگتن - تل‌آویو برای نخبگان آمریکایی هم دردناک است، پروفیسور استفن والت، دانشمند و نظریه‌پرداز مطرح آمریکایی و واضع نظریه «تالیسم تدافعی» چندی قبل در وبسایت نشریه تخصصی سیاست خارجی آمریکا «فازن پالیسی» نوشت: جنگ غزه روشن کرده است که تعهد آمریکا به «فلم مبتنی بر قوانین» بی‌معنی است. صراحتاً سخت است باور کنیم که مقامات ایالات متحده هنوز هم می‌توانند این عبارت را آشکارا بیان کنند. والت با بیان اینکه رابطه آمریکا - اسرائیل دیگر ارزش راهبردی ندارد، نوشت: «کاری که اسرائیل می‌کند دیگر منافع استراتژیک را برای ایالات متحده به همراه ندارد. در طول جنگ سرد می‌شد

دیپلماتیک» علیه واشنگتن در راستای راهبردی خویش «ظهور آرام»، خود را به عنوان یک ابرقدرت صلح‌ساز تثبیت کرد. این روند پس از میثاقی‌گری میان ایران و عربستان سعودی و احیای روابط تهران - ریاض توسط چینی‌ها در دست‌بعد از خروج آمریکا از افغانستان آغاز شده بود و سیگنال مهمی در پر کردن خلأ قدرت خاورمیانه بدون آمریکا توسط محور شرقی ایران و چین، همچنین انتقال قدرت از اتلانتیک به پاسیفیک صادر کرد. این پیام آنقدر برای کاخ سفید واضح و دردآور بود که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در سفر به سرزمین‌های اشغالی در فرودگاه بن‌گورین گفت: آمریکا منطقه را به ایران و چین واگذار نخواهد کرد. در طول یک ماه گذشته یکن تصویر مثبتی از خود به نمایش گذاشت که در متن آن اراده معطوف به راه‌حل ابرقدرت شرقی برای حل چالش‌ها و بحران‌های جهانی را نشان داد. در بیجینگ، همه جناح‌های فلسطینی درباره «خواسته‌های فلسطینی‌ها برای پایان دادن به جنگ» به اجماع رسیده و مهم‌ترین بخش بیابیه نهایی هم تشکیل دولتی برای «مدیریت امور مردم غزه و کرانه باختری، نظارت بر بازسازی و ایجاد شرایط برای انتخابات» بود اما ایالات متحده چه‌کار کرد؟ یک نمایش نامیدکننده با حضور نتانیاهو، سیاستمدار جنگی به ته‌خطر رسیده، در کپیتول هیل با تشویق‌های شرم‌آور نمایندگان و سناتورهای آمریکایی به راه‌انداخت؛ در شرایطی که کنست اسرائیل چند روز قبل از این سفر «طرح ایجاد هرگونه کشور فلسطینی» را با یک رای بالا و تو کرد. این برای آمریکا یک نمایش قدرت نبود، بلکه استقبال قهرمان‌گونه از نتانیاهو فریادی واضح بود که نقش بین‌المللی ایالات متحده هم مانند

عرب‌ها حجتی: جهان در هفته‌های گذشته، یک فریم دیگر از واقعات دگرگون شده نظامات جهانی را ثبت کرد؛ حقایقی که برای ایالات متحده بسیار ناگوار است و نشان از ضعف مفرط واشنگتن در حکمرانی جهانی دارد. دعوت کنگره آمریکا از بنیامین نتانیاهو، جنایتکار جنگی که دادگاه کیفری بین‌المللی هم حکم جلب او را صادر کرده است چند روز پس از نشست گروه‌های فلسطینی در پکن که نشان از اراده این قدرت جهانی برای حل‌وفصل یک بحران جهانی داشت، ثابت کرد اطلاق عنوان هژمون به ایالات متحده آمریکا کملاً عاری از واقعیت‌های موجود سیاست بین‌الملل است. آمریکا نه تنها دیگر یک هم‌ژمون نیست که به رتبه یک «ابرقدرت ضعیف» تنزل یافته است. دیسپلین روابط بین‌الملل در مناظره سوم خود که همچنان ادامه دارد، شاهد تقابل رهیافت «تالیسم» و «سازمانگاری» بوده است. رهیافت سازمانگاری نقطه اتکای خود را بر «ساخت» و «توسیر» به عنوان مولفه‌هایی تأثیرگذار در سامان اجتماعی بین‌المللی می‌گذارد. با این وجود دستور کار سیاست خارجی اغلب واحدهای سیاسی در جهان با پیش‌تران رئالیسم (واقع‌گرایی) حرکت می‌کند، چرا که مفروضات این نظریه همچون «هوازه قوا»، «خودیاری» دولت‌ها برای «بقا» و «انارشیک» بودن نظام بین‌الملل همچنان می‌تواند تغییرات سیاست بین‌الملل را تبیین کند. با این توضیحات حتی اگر از درجه سازمانگاری هم به تحولات جهانی نگرینسته شود، اتفاقی که در پکن و واشنگتن دی‌سی حول یک موضوع مشترک یعنی بحران بین‌المللی شده فلسطین رخ‌داد، تصویری مثبت‌از چین به عنوان یک «ابرقدرت مسؤول» ارائه داد. با پکن یا «کودتای

تیترهای امروز

گزارش «وطن امروز» از پیام‌های انتخاب محمد رضا عارف به عنوان معاون اول پزشکیان

من حزبی نیستم!



ساکنان جولان اشغالی نتانیاهو را فاشیست خواندند و او را به مراسم ترحیم قربانیان راه‌ندانند

بازی اسرائیل با گوی سرخ

نیکولای مادورو برای یک دوره ۶ ساله دیگر رئیس‌جمهور ونزوئلا شد

فرزند بولیوار باقی‌ماند

«وطن امروز» آخرین وضعیت خزانه را در مقایسه با سال ۱۴۰۰ بررسی کرد

تحويل خزانه با تراز مثبت

روشنده اقتصادی

نگاه

بیکربندی اراده مردم

جعفر علیان نژادی: به نظر می‌آید استفاده مقام معظم رهبری از ۳ تعبیر «انتخابات پرانگیزه»، «انگیزه‌دار بودن مردم» و «مردم بالنگیزه» در سخنرانی روز تنفیذ، حاوی معنای ویژه و قابل تأملی باشد که نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن عبور کرد. این ۳ تعبیر به کیفیت برگزاری انتخابات و کیفیت حضور مردم در آن اشاره دارد. این پرانگیزه بودن هم در مسؤولان و دست‌اندرکاران برگزارکننده انتخابات قابل ردیابی بود و هم در حضور مردم، به‌طوری که در نگاه ایشان آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد همین انگیزه‌دار بودن مردم برای حضور و شرکت در انتخابات است. اما حالا پرسش این است: حضور بالنگیزه مردم یا برگزاری پرانگیزه انتخابات چه معنایی دارد؟ می‌توان با رجوع به اندیشه معظم‌له، دلیل استفاده ایشان از این کلیدواژه را فهمید.

در اندیشه مقام معظم رهبری ۲ جور انگیزه از یکدیگر تفکیک شده است. انگیزه ناقص و انگیزه کامل. در انگیزه کامل خصوصییتی وجود دارد که آن را از انگیزه‌های ناقص جدا می‌کند. وجود آن خصوصیت، شخص را برای رسیدن به خواسته‌اش مصر و پیگیر کرده و موجب دنبال‌گیری کارها تا حصول نتیجه کامل می‌شود. اما ویژگی‌های انگیزه‌های کامل چیست؟

۱- آگاهی به نیاز: فرد با انگیزه از درون و به صورت خودجوش، متوجه‌نیاز واقعی شده و برای تأمینش حرکت می‌کند.

۲- ایمان به نتیجه: فرد با انگیزه که برای تأمین نیاز واقعی حرکت کرده، از نتیجه کار خود مطمئن بوده و موفق است.

۳- جهت‌مندی حرکت: فرد انگیزه‌دار با آگاهی از اینکه زیر نظر و نظارت خداوند است، حرکت می‌کند.

مقام معظم رهبری بر مبنای چنین منطقی کیفیت برگزاری انتخابات و حضور سیاسی مردم را با کلیدواژه «انگیزه‌داری» توصیف کردند. انگیزه‌داری کامل به معنای تبدیل عمل سیاسی مسؤولان و مردم به عمل صالح است. پس دلالت دیگر کاربست این تعبیر، حرکت دینی و مسؤولیت‌پذیری معنوی مردم در چنین عمل سیاسی‌ای است.

مردم بالنگیزه، یعنی کسانی که متوجه‌نیاز واقعی کشور شده و با ایمان به صحت و سلامت نتیجه، در انتخابات حضور پیدا کردند و با این حضور معنادار در جهت درست حرکت کردند. نکته آخر آنکه اراده عمومی در جمهوری اسلامی با چنین انگیزه‌های کاملی بیکربندی می‌شود، بنابراین نتیجه انتخابات هر چه باشد، در نهایت پیروزی همه ملت تلقی می‌شود چون عمل صالحی صورت گرفته که پاداش آن با محاسبات دنیوی قابل سنجش نیست.